

گفتگو



ضعف حجاب
نشانه مخالفت با نظام نیست

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی و گزارشگر: فاطمه محمودی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

جلسه‌ی پانزده شانزده نفره، از دکتر شریعتی، آقای بهشتی، آقای مطهری، همه را [جمع کرد]؛ یک آدم این جوری بود؛ آماده‌به‌کار. بعد از انقلاب هم به معنای واقعی کلمه ایشان مشغول کار بود، مشغول تلاش بود. خانمش هم با ایشان خیلی واقعاً همراهی کرد. خدا ان‌شاءالله خانم مفیدی را رحمت کند



بیانات پس از اقامه نماز بر پیکر دکتر عباس شیبانی



ان‌شاءالله خداوند آقای دکتر شیبانی را رحمت کند، درجاتشان را عالی کند. آقای دکتر شیبانی به معنای واقعی کلمه جزو انسانهای صالح بود. ما ایشان را خیلی وقت [است]، سالها است، یعنی شاید پنجاه و چند سال است [می‌شناسیم]. ایشان تازه از زندان آزاد شده بود، به نظرم سال ۴۷ یا ۴۸ بود که با ایشان آشنا شدیم. آدم فعال، خیرخواه و آماده‌به‌کار، و به معنای واقعی کلمه مبارز [بود]؛ واقعاً این جوری بود

من با مرحوم طاهر احمدزاده از مشهد آمدم تهران، یک کاری داشتیم اینجا، لازم بود جمعی از افراد صاحب فکر و صاحب نظر و مانند اینها مثل آقای طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، اینهایی که بودند، جمع میشدند؛ من و آقای احمدزاده یک حرفی برای آنها داشتیم. احمدزاده گفت که جمع کردن اینها کار ما نیست، کار عباس شیبانی است؛ او میتواند اینها را جمع کند. این بود که با ایشان تماس گرفتیم و آمد و گفتیم ما چنین کاری داریم، فوراً — به نظرم شاید در ظرف دو روز — یک

اینها در آقای مصباح جمع بود

بالاخره رفتن برای همه هست: **إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ**؛ (۱) اگر چه خسارت است اما بالاخره چاره‌ای نیست، ناگزیریم؛ علاج این است که آن راه ادامه پیدا کند؛ آن ابتکار و آن کارهایی که ایشان کرده‌اند: همین «طرح ولایت» یکی از ابتکارات ایشان است؛ همین تشکیلات عظیم مرکز تحقیقات امام خمینی (۲) یکی از همان ابتکارات است؛ کتابهایی که ایشان نوشته‌اند، چه کتابهای علمی، چه آنچه مربوط به اخلاقیات و معنویات و [برای] استفاده‌ی عموم و مانند اینها است، یکی از آن کارها است؛ اینها را نباید گذاشت تعطیل بشود. الحمدلله آثار ایشان از همه جهت خوب است؛ آثار صوتی ایشان خیلی آثار خوبی است. سخنرانی‌های ایشان را یک مدتی که در آن حسینیه سخنرانی داشتند، در عصرهای ماه رمضان تلویزیون پخش میکرد؛ من می‌نشستم پای تلویزیون گوش میکردم؛ نمیدانم کی بود. حالا من عصری می‌نشستم گوش میکردم؛ عصر ماه رمضان بود. به ایشان گفتم؛ گفتم اینها خیلی برجسته است، واقعاً خیلی خوب است؛ آدم می‌نشیند گوش میکند، واقعاً استفاده میکند. خب اینها نبایستی متوقف بشود؛ نباید مسکوت بماند، فراموش بشود. ایشان آثار صوتی دارند، آثار مکتوب دارند، آثار مؤسسه و بنیانهای مؤسساتی، مثل آنهایی که اسم آوردیم — یا شاید هم غیر آنها که من خبر ندارم — دارند، الحمدلله فرزندان خوبی دارند، آقازاده‌های خوبی دارند؛ وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً؛ (۳) الحمدلله؛ برکات نسلی‌شان هم برکات خوبی است

در مورد حفظ آثار، نکته‌ای که وجود دارد، این است که نگذاریم این آثار کهنگی پیدا کند. یعنی آن روزی که

بیانات در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمدلله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا
ابى القاسم المصطفى محمد و آله الطيبين الطاهرين سيما
بقية الله فى الارضين

خیلی خوش آمدید. بعد از مدتها آقایان را و بعضی از خانمها را زیارت کردیم. بزرگداشت جناب آقای مصباح یکی از واجبات کارهای حوزه و روحانیت و ماها و همه است و بزرگداشت ایشان به معنای زنده نگه داشتن جهت‌گیری ایشان و راه ایشان است

مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک خصوصیات منحصر به فردی داشتند که من در مجموعه‌ی فضلی برجسته‌ی قم که از قدیم می‌شناختیم، و حالا هم بحمدالله برکات بعضی‌شان ادامه دارد، نگاه میکنم، جامع این خصوصیات را کسی مثل مرحوم آقای مصباح مشاهده نمیکنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه‌ی تمام‌نشدنی و بی‌نظیر، خلقیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند اینها؛ مجموع اینها را واقعاً انسان نمیتواند پیدا کند.

پخش میکنند، منتشر میکنند. این کار [در مورد ایشان هم] باید انجام بگیرد.

من البتّه گمان میکنم قبلها به خود مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یا شاید به بعضی از شاگردهای ایشان راجع به ملاحظه‌ها این حرف را زدم که کتاب ملاحظه‌ها را تدریس میشود، اما لب حرفهای ملاحظه‌ها چیست؟ ملاحظه‌ها چند مسئله‌ی اساسی دارد؛ اینها را پیدا کنید، بکشید بیرون، روی اینها بحث بشود، کار بشود، کتاب نوشته بشود، مباحثه بشود؛ این لازم است. در مورد خود آقای مصباح همین جور است و باید این جور بشود. نگاه کنید، ببینید آن جهت‌گیری فکری ایشان، آن نقطه‌ی تمرکز فکری ایشان چیست، چه در مسائل فلسفی، چه در مسائل اجتماعی، چه در مسائل اعتقادی و فکری، در فضای مجازی و از این قبیل پخش میشود — یک تکه حرف را پخش کنید، این منتشر بشود، در ذهنها بماند، به زبانها بیاید، تکرار بشود؛ و مثل مَثَلِ سائر (۵) که در زبانها تکرار میشود و میماند، این فکر بماند، معلوم بشود این، فکر آقای مصباح است؛ تا افراد اسم آقای مصباح را می‌آورند، هر کسی که دیده این تکه‌ها را، این نوشته‌ها را، ذهنش به یکی از اینها متوجه بشود، یادش بیاید. مثلاً یکی از راه‌های پخش فکر یک آدم متفکر برجسته‌ی عمیقی مثل آقای مصباح این است

صوت هم خیلی خوب است. حالا شاید لازم نباشد از اول تا آخر یک سخنرانی را پخش کنیم — آن [کار] شاید یک مقداری تأثیر را هم کم کند — اما بالاخره میتوان از یک صوت یک ساعته یا مثلاً سه ربع ساعته‌ای که مستمع را کاملاً جذب میکرده، مثلاً یک ربع ساعت مطلب درآورد

ایشان این مؤسسه‌ی امام خمینی را راه انداختند، یک کار تازه‌ای بود؛ آیا امروز هم اگر به همان شکلی که اول راه افتاده، اداره بشود، باز هم تازه است؟ این، جای سؤال است؛ این به عهده‌ی شماها است. آقای رجبی (۴) و شما آقایان ببینید چه کار باید کرد که آن تازگی و طراوت حفظ بشود. آن اولی که ایشان این کار را شروع کردند، خوب یک کار خیلی نو جدیدی بود، توجه‌هایی را به خودش جلب کرد؛ حالا هم باید همان جور باشد

یا مثلاً کتابهای ایشان. خوب حالا بعضی از کتابها، کتابهای علمی است، کتاب درسی است، مثلاً فرض کنید فلسفه؛ خوب حفظش به این است که در حوزه در جاهایی که مقتضی است تدریس بشود؛ اما برخی از آثار مکتوب ایشان آثاری است که باید در ذهنها جایگزین بشود؛ بحث علم و فن و مانند اینها نیست؛ فکر است؛ باید در ذهن مخاطب بنشیند. چه جوری میشود نشانند؟ امروز با صرف اینکه حالا تعداد نسخه‌هایی که از یک کتاب چاپ میشود، بالا باشد یا پایین باشد، مسئله تمام نمیشود؛ یعنی این جور کتابهای فکری [این جور حفظ نمیشود]. چرا، بعضی از کتابها هست که وقتی تعداد و تیراژ بالا برود، این یک موفقیت است؛ فرض کنید کتابهایی که در شرح حال شهدا مینویسند؛ خوب هر چه افراد بیشتر بخوانند، بیشتر بهره‌مند میشوند. کتابهای فکری این جور نیست؛ کتابهای فکری لازم است در فکر رسوخ کند؛ و این، صرفاً با نشر کتاب حاصل نمیشود. شما نگاه کنید غربی‌ها در این کارها خوب واردند، خوب بلدند؛ ببینید مثلاً فرض کنید فلان متفکر، حالا مثلاً هگل مگر چند کتاب نوشته؟ افکارش را از داخل این کتابها استخراج میکنند و درمی‌آورند، تخلیص میکنند، خلاصه میکنند، آن فکر را با بیانهای مختلف، با زبانهای مختلف، با شیوه‌های مختلف

طول عمر دیدیم از دوره‌ی جوانی‌شان، نه حالا؛ آن وقت که ایشان شاید هنوز ازدواج هم نکرده بود — من قبل از اینکه بیایم قم، در مشهد با ایشان آشنا شدم؛ گمان می‌کنم مثلاً سال ۳۶، ۳۷ بود — از آن وقت آدم می‌فهمید ایشان یک مرد متدین، اهل دین و اهل تقوا بودند. از جمله‌ی آن کسانی بود که «مَنْ يُذَكِّرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتَهُ» (۷) بود؛ رؤیت ایشان هم آدم را کمک می‌کرد، پیش می‌برد، به یاد خدا می‌انداخت. خب هر چه از آن جوانی گذشت، ایشان بهتر هم شد؛ اگرچه هر چه هست، مال همان دوره‌ی جوانی است. شما جوانها قدر این دوره را بدانید؛ آنچه آن آخر کار به درد آدم می‌خورد و گیر آدم می‌آید و برای آدم میماند، همین [چیزی] است که حالا شماها کسب کرده‌اید و دارید کسب می‌کنید. جوانها قدر جوانی‌شان را بدانند

خدا ان‌شاءالله درجاتشان را عالی کند. بله، دو سال از درگذشتشان گذشت؛ دوازدهم دی بود. خداوند ان‌شاءالله درجات ایشان را عالی کند و ایشان را مشمول مغفرت و رحمت خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

یکی از چیزهایی که در این جلسات داخل حسینیه‌ی (۶) ایشان نظر من را خیلی جلب می‌کند، این است که وقتی [فیلم آن را] پخش می‌کنند، آدم می‌بیند اولاً مستمعین که متراکم نشسته‌اند، همه جوانند، یعنی مثلاً یک آدم مسن بالای چهل سال شاید در اینها دیده نمی‌شود؛ همه جوانند. و [ثانیاً] همه همین طور محوند! این خیلی مهم است. من چون خودم سخنرانم، ده‌ها سال [سخنرانی کرده‌ام]، به این نکات توجه دارم. چه زمانی هست که سخنران احساس می‌کند موفق است؟ این نگاه‌ها و برخوردها و به‌اصطلاح آن نمایشهایی که از رفتار مستمع وجود دارد، نشان‌دهنده‌ی یک حقیقتی است؛ این را شما در سخنرانی‌های ایشان مشاهده می‌کنید، یعنی این من را خیلی جلب می‌کند. ایشان چه دارد می‌گوید که این جور همه‌ی دلها را، چشمها را مجذوب کرده، مبهوت کرده؟ این تگه‌های خاص را پیدا کنید، مکرر پخش کنید

خوشبختانه صدا و سیما نسبت به این قضیه روی خوش نشان داده. حالا گاهی اوقات هست مسئولان رسانه‌ها و مانند اینها روی خوش به یک چیزی نشان نمی‌دهند، [ولی] نسبت به کارهای ایشان الحمدلله صدا و سیما گرایش خوبی دارد و در ساعات مختلف [پخش می‌کند]. من گاهی عبور می‌کنم، [وقتی] نگاه می‌کنم می‌بینم، یا گاهی نشسته‌ام می‌بینم که از ایشان چیزهای زیادی را پخش می‌کنند؛ حیات آقای مصباح این است، زنده بودن آقای مصباح این است

خب جسم ایشان رفت، حیف هم بود، خیلی حیف بود، یعنی وجود ایشان واقعاً مایه‌ی برکت بود، آدم از دیدن ایشان استفاده می‌کرد؛ یکی از این کسانی [بود] که ما در طول عمر دیدیم از دوره‌ی جوانی‌شان، نه حالا؛ آن وقت

•••••
 ••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayer_man •••••
 ••••• @totayar •••••
 ••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹ •••••
 ••••• www.totayar.ir •••••
 ••••• www.sayerman.ir •••••
 •••••

سالگرد حاج قاسم به روایت تصویر







کتابهای انتشارات تحکیم خانواده جشنواره تخفیفات



س مثل سورہ



ج مثل حیوانات

(۶ تا ۹ سالہ بچوں کے لیے) (۶ تا ۹ سالہ بچوں کے لیے)

Ours-Bear-الذب-خرس







دفتر تبلیغات اسلامی حدود ۳۰۰ ساعت مصاحبه ضبط،
پیاپی سازی و تجمیع اطلاعات انجام شده است

معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و □
صنایع دستی از آغاز گردآوری تاریخ شفاهی گردشگری
خبر داد

علیرضا مختاریپور، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی □
ایران درباره طرح تاریخ شفاهی این سازمان گفت: طرح
تدوین تاریخ شفاهی در کتابخانه ملی با قوت پیگیری
خواهد شد

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران قزوین در دیدار با □
رئیس حوزه هنری این استان گفت: سرفصل‌های مشترک
بین بنیاد شهید و حوزه هنری با تعامل و همکاری باید در
حوزه فرهنگ و هنر از جمله تاریخ شفاهی، ادبیات
پایداری و تألیف کتابهای تاثیرگذار منجر به خروجی قابل
استفاده و ماندگار شود

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران مازندران از ثبت، □
ضبط صوتی و تصویری دو هزار مورد از خاطرات والدین
شهدا و جانبازان ۵۰ تا ۷۰ درصد تا پایان سال جاری خبر
داد

کارگاه تدوین شهید حسینعلی پورعیسی، شهید گیلانی □
شاهچراغ به همراه آموزش روایت‌نویسی در تاریخ شفاهی
در رشت برگزار می‌شود

مؤسسه همشهری برای حفظ و زنده نگهداشتن هویت □



«

عنوان سلسله گزارشی در این سایت است. این گزارش‌ها
نگاهی دارند به خبرهای مرتبط با موضوع سایت در
رسانه‌های مکتوب و مجازی. در ادامه خبرهایی از دی
۱۴۰۱ را می‌خوانید

سیزدهمین همایش تاریخ شفاهی ایران، با مشارکت □
انجمن تاریخ شفاهی ایران، حوزه هنری انقلاب اسلامی
مازندران، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع
مقدس و سپاه کربلای مازندران در ساری برگزار شد
کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی دفاع مقدس با حضور □
ابوالفضل حسن‌آبادی مدیر مرکز نسخ خطی استان قدس
رضوی و جمعی از پژوهشگران استان خراسان رضوی در
ساختمان اسناد مرکز فرهنگی دفاع مقدس خراسان
رضوی برگزار شد

کمیته تألیف، تدوین و نشر کنگره ملی شهدای □
خوزستان هم دوره آموزش مقدماتی مصاحبه در تاریخ
شفاهی و زندگی‌نامه‌نویسی ویژه تألیف آثار شهدا را برگزار
کرد

معاون فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه □
علمیه قم گفت: در راستای تکمیل طرح تاریخ شفاهی
دفتر تبلیغات اسلامی حدود ۳۰۰ ساعت مصاحبه ضبط،
پیاپی سازی و تجمیع اطلاعات انجام شده است

امروز، من فقط چند جمله در مورد مسئله‌ی مدّاحی می‌خواهم عرض بکنم. مدّاحی میراث ما است، میراث شیعه است. بله، معلوم نیست که کُمیت و دُعبَل و سید حمیری مثلاً با آهنگ می‌خواندند [یا نه]، اما شعر میگفتند، شعر میخواندند، معارف اهل بیت را منتشر میکردند. شما آمده‌اید این را تبدیل کرده‌اید به یک هنر مرکب. مدّاحی، امروز، یک هنر ترکیبی است. «هنر است» یعنی زیبایی است؛ هنر، زیبایی است دیگر؛ هم زیبایی است، هم زیباسازی است. شما چند هنر را با هم جمع کرده‌اید که مجموع اینها میشود مدّاحی. صدای خوش؛ این اول. بعد، شعر خوب، از لحاظ شعری؛ این دو. بعد، آهنگ خوب؛ این سه. البته هر کدام از اینها یک خصوصیتی، شرایطی، حدودی دارد که بعضی از آنها را عرض میکنم. بعد، مضمون خوب، محتوای خوب؛ چون شعر خوب یک مسئله است، محتوای خوب یک مسئله‌ی دیگر است. ممکن است یک شعری خیلی خوب باشد، اما محتوای آن چنان برجسته‌ای نداشته باشد یا محتوای درستی نداشته باشد؛ یعنی در محتوا اشکال باشد. ما در شعرهای بسیار خوبمان از این جور شعرها داریم که شعر خوب است، اما محتوا بی‌اشکال نیست. من یک شعری را از صائب یادداشت کرده بودم که بخوانم؛ می‌گوید

نسازد لن ترانی چون کلیم از طور مأیوسم
نمک پرورده‌ی عشقم زبانِ ناز میدانم

وقتی که به حضرت موسیؑ فرمودند «لن ترانی»، (۴) خب دیگر رها کرد؛ این می‌گوید من مأیوس نمیشوم. قشنگ بود، ولی غلط بود؛ یعنی خدای متعال، ذات اقدس الهی (جلّ جلاله)، ناز کرده گفته «لن ترانی»! نه، «لن ترانی»، «لن ترانی» است دیگر؛ در کلام خدا مبالغه وجود ندارد. خب شعر به این قشنگی است، اما مضمون، مضمون نادرست. پس ما اینجا دو چیز داریم: یک شعر خوب، یک

بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام



سم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيّة الله في الارضين
خیلی خوش آمدید. شروع این جور مجالس با خودمان است، ختمش با خدا است. (۲) امروز خیلی جلسه‌ی خوبی بود؛ جداً، حقاً، بهره‌مند شدیم. انوار و فیوضات وجود مبارک فاطمه‌ی زهرا، سیده‌النساء، صدیقه‌ی کبریؑ (سلام الله علیها)، فضا را انباشته؛ خدا را شکر! محبت و ارادت و شوق دل‌های پاک شما به امّ الائمة النجباء قطعاً تأثیرات بنیانی خواهد داشت در همه‌ی اموری که در پیش داریم در زندگی‌مان؛ در امور شخصی، در امور عمومی، در آینده‌ی این کشور. من در جمع شما مدّاحان اهل بیت (علیهم السلام) که حقیقتاً مفتخرید به اینکه مدّاح این بزرگواران هستید — که «مدّاح خورشید مدّاح خود است» (۳) — مایلیم اولاً یادآوری کنم افتخار بزرگ شما را؛ افتخار کنید به این خصوصیت و سعی کنید همه‌ی شما شرایط مدّاحی این انوار مقدّسه را هر چه بیشتر تأمین کنید، هم در خودتان، هم در مستمعینتان

شیوهی کار است؛ یعنی ظاهر، زیبا و باطن، پرمحتوا و محکم.

آهنگ هم همین جور است؛ من مخصوصاً بنا داشتم، یعنی در یادم نگه داشتم که این را به شما مداحهای عزیز بگویم. آهنگ مفهوم دارد، معنا منتقل میکند؛ یعنی شما اگر چنانچه یک آهنگی را اجرا کنید که لفظ هم نداشته باشد — مثلاً بعضی‌ها با حنجره‌شان آهنگ تولید میکنند یا بعضی با این وسایل و سازها آهنگ ایجاد میکنند — زبان ندارد، اما معنا دارد، معنایی را منتقل میکند؛ آهنگ این‌جوری است. یک آهنگ هست که شجاعت را القا میکند؛ این آهنگی که ایشان (۸) میخواند «ای لشکر صاحب‌زمان آماده باش، آماده باش»، اگر این کلمه را هم نخوانند، این لحن، لحن آماده‌سازی است. یک آهنگ هست که افسردگی می‌آورد، افسرده میکند انسان را، مأیوس میکند انسان را؛ اینها فرق میکند. یک آهنگ هست که انسان را به گناه میکشاند؛ خیلی از آهنگها که قبلاً اینها را در ترانه‌های مربوط به دستگاه‌های موسیقی تنظیم کرده بودند، از این قبیل است. این دستگاه‌های موسیقی معروف، هر کدام یک ترانه‌ای قبلش دارد که این آهنگ، ترانه را القا میکند به آن خواننده؛ این ترانه‌ها اغلب، ترانه‌های نامناسب است. مواظب باشیم شعری که میخوانیم، آهنگی که میخوانیم، مداحی‌ای که میکنیم — چه آنجایی که مصیبت میخوانیم، چه آنجایی که سینه میزنیم، چه آنجایی که مدح میخوانیم — با اینها مخلوط نشود؛ این نکته‌ی مهمی است؛ من اصرار دارم به این توجه کنید.

پس بنابراین، محتوا باید خوب باشد، کالبد شعر هم باید خوب باشد. قواره‌ی شعر، کالبد شعر، ظاهر شعر باید خوب باشد؛ این، سطح فکر مخاطب را بالا میبرد. اگر بهترین مضامین را شما در یک شعر سست بریزید و ارائه کنید،

مضمون خوب و محتوای خوب که همه‌ی اینها را شما باید در نظر بگیرید

البته به نظرم الان چهل سال است که این جلسه تشکیل میشود؛ امروز که من نگاه میکنم، نسبت به سالهای قبل، از لحاظ نوع مداحی و شعری که خوانده میشود، کاری که انجام میگردد خیلی پیشرفته‌تر و بهتر است؛ در این شکی نیست، اما میخواهم عرض بکنم که به اینها باید توجه کنید. خب این شد یک هنر مرکب؛ کار شما یک هنر مرکب است، هنر هم که زیبایی است. این را ما از متون دینی‌مان داریم؛ متون دینی ما یعنی قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه‌ی سجّادیه و بسیاری از دعاها. درباره‌ی قرآن فرمود «ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ»؛ «أُنِيقٌ» به معنای زیبا نیست، به معنای زیبای شگفت‌آور است. ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ؛ قرآن این‌جوری است، از لحاظ زیبایی و هنر نظیر ندارد. تقریباً بهترین اشعار عرب، شیرین‌ترین، زیباترین و فصیح‌ترین شعر عرب مال دوره‌ی جاهلی و مخضرمین (۵) است؛ اینها در زمان نزول قرآن بودند، زنده بودند، [اما] هیچ کدام نتوانستند یک ذره ایراد بگیرند یا بگویند ما هم میتوانیم مثل این را بگوییم. قرآن چند بار گفته «فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ»؛ (۶) یک آیه‌اش را هم نتوانستند بیاورند. نهج‌البلاغه در نهایتِ فخامت و استحکام و زیبایی است؛ صحیفه‌ی سجّادیه همین‌طور؛ دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، دعای روز عرفه‌ی امام حسین و دعاهای گوناگون، در نهایتِ زیبایی است؛ این هنر شما دنباله‌ی آن هنر است. جامع بودن این هنر به این است که همه‌ی بخشهایش زیبا باشد؛ فقط زیبایی ظاهری کافی نیست، محتوا هم بایستی زیبا باشد، همچنان که فرمود «ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ»؛ (۷) باطن قرآن عمیق و پُر از محتوا است. حالا ما از خودمان از شماها، توقع نداریم که یک چنین جرئتی به خودمان بدهیم، مثلاً فرض کنید بگوییم ما هم میتوانیم؛ نه، این

ندیده‌ام. البته هر کدام از این ادیان مختلف و مذاهب مختلف — اسلامی و غیر اسلامی — یک چیزهایی دارند، اما آن اوج متعلق به شیعه است. من یک وقتی دعاهای رایج بین غیر شیعه را از مسلمین نگاه میکردم — که در یکی از کتابهای زمخشری مفصل ذکر کرده دعاها را — دیدم اگر ما مثلاً فرض کنید ده سطر از دعای عرفه‌ی امام حسین را یا دعای چهل‌وهفتم صحیفه‌ی سجّادیه را بغل اینها بگذاریم، ده سطر آنها از همه‌ی اینها بیشتر مطلب دارد، بیشتر روح دارد.

خب، همین حالت احساس در معرکه‌های حسّاس کشور به داد کشور رسید؛ یکی‌اش دفاع مقدّس. در دفاع مقدّس، این مدّاحها بودند، این شعرگوها بودند، این شاعرهای خوب بودند که واقعاً توانستند فضا را آماده کنند برای آن حماسه‌ی بزرگ. من این بیت شعر را بارها در مورد همین مسئله تکرار کرده‌ام

عشّاق را به تیغ زبان گرم میکنیم

(چون شمع، تازیانه‌ی پروانه‌ایم ما) (۱۰)

وصف حال شما است: «چون شمع، تازیانه‌ی پروانه‌ایم». در مراسم اعزام بسیجی‌ها و دیگران به جبهه، در شبهای عملیات، در صبحگاه‌های نظامی، در تشییع پیکر شهدا، در مراسم ختم شهدا، در مسجد، در حسینیه، در میدان جنگ، همه جا مدّاحی نقش بزرگ خودش را ایفا میکرد، دلها را آماده میکرد، فضا را معنوی میکرد. آن نورانی‌تی که در منطقه‌ی دفاع مقدّس ما حضور داشت — که در هیچ جای دنیا و در هیچ وقت تاریخ، جز در صدر اسلام، سابقه ندارد — بخش عمده‌ای از آن مربوط به همین مدّاحی‌ها بود، بخشی هم مربوط به بعضی از عوامل دیگر. در سالهای بعد از جنگ هم تا امروز همین جور؛ مدّاحی نقش‌آفرینی کرده؛ در قضا‌یای گوناگون، در فتنه‌ی ۸۸، در نهم دی، در موارد گوناگون، مدّاحی نقش ایفا کرده

تأثیرش خیلی کاهش پیدا میکند. ذهن مخاطب را عادت بدهید به اینکه با ادبیات فاخر اُنس پیدا کند؛ این به رشد فکری جامعه کمک میکند. من چند سال قبل از این، در همین جلسه اشاره کردم به بعضی از غزلهای صائب (۹) که غزلهای عشقی نیست، غزلهای حکمتی است، پُر از حکمت است، شعر هم در نهایت استحکام و زیبایی است؛ [خوب است] اینها را آدم پیدا کند بخواند. الحمدلله حالا بعضی از شعرا شعرهای خیلی خوبی میگویند در این زمینه.

در مدّاحی، علاوه بر معرفت‌آموزی، احساس‌برانگیزی هم هست؛ این هم نکته‌ی مهمّی است. [مدّاحی] معرفت‌آموزی دارد؛ یعنی شما با شعری که میخوانید درس میدهید. خیلی از چیزها را ما پای مدیحه‌خوانی مدّاحان یاد میگیریم که خودمان آنها را قبلاً به زبان عادی بارها گفته‌ایم به دیگران، حالا که مدّاح با صدای خوش و با آهنگ خوب همان مضمون را میخواند، ما یک چیز تازه‌ای کانه می‌شنویم و میفهمیم و یاد میگیریم. معرفت‌آموزی دارد، البته در امتداد منبر؛ مدّاحی منبر نیست؛ یک طبیعت دیگر است، یک حقیقت دیگر است. هم این است، هم احساس‌برانگیزی است. این مسئله‌ی احساس را نباید دست‌کم گرفت. خصوصیت ما شیعیان این است که در تعالیم ما و معرفت‌آموزی ما، از اوّل تا آخر، احساس وجود دارد، انباشته‌ی از احساس است؛ دیگران کمتر دارند. ذکر مصیبت‌مان احساس است، مدح‌خوانی‌مان احساس است، دعا‌یمان احساس است، زیارت‌مان احساس است؛ احساسات را برانگیخته میکنند. البته احساس اگر بدون تعقل باشد، فایده ندارد. حُسن کار معرفت‌آموزی متون شیعی این است که در کنار برانگیختن احساس، عمق معرفتی را هم به انسان اهدا میکند؛ این خصوصیتی است که در غیر شیعه من ندیده‌ام؛ یعنی تا آنجا که من اطلاع دارم،

امیددهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن تزریق ناامیدی است. کجا؟ در مهم‌ترین نقطه‌ی وجودی کشور، یعنی جوانان که آنها را با انواع شیوه‌ها و طرق و شگردها مایوس کنند. شما می‌توانید درست ضدّش عمل کنید، امیددهی کنید؛ شما می‌توانید در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خب شرط دارد.

اگر بخواهید این توفیقات نصیب شما بشود، شرط لازم و اولّش این است که دغدغه‌ی هدایت مردم را داشته باشید. دغدغه‌ی مدّاح این باشد که مخاطب خودش را می‌خواهد هدایت کند، [نه] پول و شهرت و جایگاه اجتماعی و مانند اینها؛ حالا نمی‌گوییم بکلی — ماها آن جوری نیستیم، آدم‌های ضعیفی هستیم، بکلی نمیتوانیم خودمان را برکنار کنیم — اما [آنها] تحت‌الشّاع باشد؛ دغدغه‌ی اصلی، هدایت مردم باشد. شما وقتی که شعر را حفظ می‌کنید یا روی کاغذ مینویسید که بخوانید، وقتی دعوت مجلس را قبول می‌کنید، وقتی می‌روید روی منبر می‌نشینید، همه‌ی فکرتان این باشد که می‌خواهید مخاطب را هدایت کنید؛ این شرط اولّ است

شرط دوّم معرفت‌اندوزی است

ذات نایافته از هستی بخش

(کی تواند که شود هستی‌بخش) (۱۱)

اگر خود انسان مبانی معرفتی مستحکمی در درون نداشته باشد، بعید است که بتواند در دیگران معرفت ایجاد کند. خودمان را [تقویت کنیم]. شماها جوانید، شماها باحوصله‌اید، شماها وقت دارید؛ مطالعه کنید، کتاب بخوانید؛ هم کتاب شعر، هم کتاب نثر؛ کتابهای شهید مطهری را بخوانید، کتابهای اخلاق را بخوانید، کتابهای حدیث را بخوانید، تفسیر بخوانید. ما تفسیرهای خوبی داریم؛ اگر به عربی هم مسلط نیستید، تفسیرهای فارسی خیلی خوبی امروز در دسترس همه هست

اینکه من تکرار میکنم، برای شما تکرار میکنم؛ برای اینکه شما به عنوان مدّاح بدانید کجا ایستاده‌اید، بدانید چه کار میکنید و چه کار می‌توانید بکنید؛ مقصودم این است. الحمدلله عده هم زیاد است. اوایل که ما این جلسه را تشکیل میدادیم، با صد نفر یا دویست نفر این جلسه تشکیل میشد؛ امروز هزاران نفر در سراسر کشور، با تسلط بر شگردهای گوناگون جذب مخاطب، مشغول کار مدّاحی‌اند. خب این یک پدیده‌ای است در کشور، این چیز کوچکی نیست؛ از این باید استفاده کرد. چه کسی استفاده کند؟ مقصود استفاده‌ی مسئولین دولتی و زید و عمرو و بنده‌ی حقیر و دیگری نیست؛ مقصود استفاده‌ی کشور، استفاده‌ی نظام، استفاده‌ی انقلاب است. انقلاب باید استفاده کند؛ انقلاب محتاج پیشرفت است، محتاج تحوّل روزبه‌روز است. شما می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید؛ حرف من این است. شما باید مبارزه‌ی با طاغوت را، مبارزه‌ی با ظالم را، مبارزه‌ی با استکبار را، مبارزه‌ی با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور میدهیم، نصیحت میکنیم، استدلال میکنیم، منطق می‌آوریم، اثر نمیکند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما می‌توانید بکنید. یک جا لازم است فضای کشور استقامت در مقابل دشمن باشد، یک جا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یک جا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقل و تدبّر باشد؛ فضا سازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه می‌توانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند اینها خیلی بیشتر است. می‌توانید فضا به وجود بیاورید، می‌توانید بصیرت‌دهی کنید، می‌توانید

اینها استفاده کنند، اینها را آماده کنند برای همراهی. عامل تبلیغات فراگیر؛ تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها، فضای مجازی، اینترنت. اینها عواملی است که دشمن همه‌ی اینها را ردیف کرد. بنده به عنوان یک آدمی که این مسائل را نگاه میکنم و زیر نظر دارم و میفهمم، در دلم به مهندسی خوب دشمن آفرین گفتم! خوب مهندسی کرده بود؛ همه چیز را در جای خود، به اندازه‌ی خود، آماده کرده بود. چرا موفق نشد؟ چون یک پایه‌ی دیگر، یعنی محاسبه‌اش، غلط بود. بله، این کارها همه کارهای مهمی است، کارهای مؤثری است، در یک کشورهایی هم اثر میگذارد، [اما] اینجا نتوانست؛ چون محاسبه‌ای که روی ایران اسلامی کرده بود محاسبه‌ی درستی نبود. من دو سه مورد از غلط بودن محاسبه‌ی دشمن را میگویم، قبلاً هم در صحبتها اجمالاً به (بعضی از آنها اشاره کرده‌ام. ۱۲)

خیال میکرد ملت ایران به خاطر مشکلات اقتصادی — که وجود دارد — با نقشه‌ی براندازی و تجزیه‌طلبی دشمن همراهی خواهد کرد؛ این یک محاسبه است که غلط بود. خیال میکرد با فحش و بددهنی و اهانت‌های گوناگون میتواند مسئولین کشور را از میدان خارج کند، منفعل کند. وقتی یک خرده بدگویی شد، هتاک‌ی شد، بعضی‌ها منفعل میشوند دیگر. محاسبه‌ی غلطی بود. خیال کردند با وسوسه‌ها و هیاهوها میتوانند مسئولان سطح بالای کشور را دچار اختلاف نظر کنند؛ یکی بگوید این کار را نکنیم، یکی بگوید نکنیم، بینشان اختلاف بیفتد؛ این مشکلی که الان در خود آمریکا هست، در رژیم صهیونیستی هست، در بعضی از کشورهای دیگر هست که این اختلافات نمیگذارد کارهای بزرگ را انجام بدهند؛ خیال میکردند میتوانند این اختلاف را ایجاد کنند. محاسبه کرده بودند، [اما] محاسبه‌ی غلطی بود. خیال میکردند میتوانند با دلارهای نفتی فلان کشور مزدور آمریکا اراده‌ی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار بدهند. اشتباه کردند؛ اراده‌ی قوی جمهوری اسلامی از همه‌ی این عوامل قدرت آنها قوی‌تر بود، عزمشان راسخ‌تر بود؛ محاسبه‌ی

یک شرط دیگر این است که به‌روز باشید. شرایط جهانی روزبه‌روز دارد تغییر پیدا میکند. به‌روز باشید، [تحلیل] حوادث را در حیطه‌ی ذهن خودتان و در حیطه‌ی فکر خودتان حاضر و موجود داشته باشید. عزیزان من! ما امروز یا مواجه با یک پیچ تاریخی مهم هستیم یا در دل یک پیچ تاریخی مهم داریم حرکت میکنیم؛ این دومی شاید درست‌تر باشد. دنیا دارد تغییر میکند، [آن هم] تغییرات اساسی؛ تغییرات اساسی و بزرگ را نمیشود در ظرف یک هفته و یک ماه و یک سال فهمید؛ اینها بتدریج انجام میگیرد. باید مسلط باشید ببینید در دنیا چه دارد. اتفاق می‌افتد، در کشور چه اتفاقی دارد می‌افتد

الان [مثلاً] همین قضایای اخیر؛ من یک جمله درباره‌ی این قضایای اخیر بگویم. در این قضایای اخیر، نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود، [اما] محاسبه‌ی دشمن محاسبه‌ی غلطی بود؛ این مهم است. نقشه‌ی دشمن نقص نداشت، منتها محاسبه‌ی دشمن برای پیاده کردن این نقشه محاسبه‌ی غلطی بود. اینکه میگویم «نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود»، یعنی همه‌ی عوامل مسلطی را که یک قدرت میتواند برای اخلاص و تخریب در یک کشوری به کار ببرد به کار انداخت، همه‌ی این عوامل را ردیف کرد. عامل اقتصادی وجود داشت که البته وضعیت اقتصادی کشور هم خوب نبود، خوب نیست و مشکل معیشت مردم زمینه‌ای بود که آنها بتوانند از این عامل استفاده کنند. عامل امنیتی، نفوذ، تیم‌های جاسوسی از همه طرف. غوغای ایران‌هراسی در دنیا؛ از چند ماه قبل، تبلیغات ایران‌هراسی به شکلهای مختلف به وسیله‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، آمریکا و صهیونیسم و کلاً استکبار جهانی شروع شد؛ این هم یک عامل تخریب است. همراه کردن بعضی عناصر داخلی با خودشان؛ این هم از مدتی پیش شروع شد که این هم یک عامل مهمی است. یک کسی را در کشور با انگیزه‌های مختلف، انگیزه‌ی قومی، انگیزه‌ی مذهبی، انگیزه‌ی سیاسی، انگیزه‌های شخصی [که مثلاً] چرا به سلام من درست جواب ندادید، چرا من را فلان جا نگذاشتید [فریب بدهند]، از

آنها محاسبه‌ی غلطی بود. خیال میکردند با اینکه چند عنصر خودفروخته را تشویق کنند که بروند پناهنده بشوند به این کشور یا به آن کشور و علیه کشور خودشان لجن‌پراکنی کنند، این موجب میشود جوانهای ما ناامید بشوند؛ اشتباه کردند؛ رفتند پناهنده شدند، لجن‌پراکنی هم کردند، کسی به آنها اعتنائی نکرد. این محاسبات دشمن بود، محاسبات غلطی بود. چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش میکند و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است، تا حالا شکست خورده، در این قضیه هم شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد

خب، این درباره‌ی دشمن؛ اما ما هم خودمان حواسمان باشد! ما هم مغرور نشویم، ما هم غفلت نکنیم، غافل نشویم بگوییم خب قضایا تمام شد، از میدان عقب نرویم، در میدان باشیم. ما هم بدانیم آن چیزی که ملت را نگه میدارد امید است و وحدت؛ اتحاد میان آحاد مردم. بله، سلیق مختلفی وجود دارد، اختلافات نظر در مسائل گوناگون وجود دارد، اما درباره‌ی اسلام، درباره‌ی نظام، درباره‌ی انقلاب، وحدت نظر بین مردم هست؛ نگذاریم این وحدت نظر از بین برود. به اختلافات کمک نکنیم؛ اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، تحریک احساسات یک گروهی علیه یک گروه دیگر. هر کس در زمینه‌ی خدشه‌ی به اتحاد ملت حرکتی انجام بدهد برای دشمن کار کرده، در نقشه‌ی دشمن کار کرده، در زمین دشمن بازی کرده؛ این را همه توجه داشته باشند! منبری باشد، مدّاح باشد، روحانی باشد، دانشگاهی باشد، نویسنده باشد، شاعر باشد؛ هر کسی باشد. دشمن را دست‌کم نگیریم؛ دشمن هست. آن روزی که شما آن قدر قوی بشوید که دشمن مأیوس بشود، آن روز میتوانید یک آسودگی و آسایش خاطری پیدا کنید. باید سعی کنیم قوی بشویم؛ این تأکید و تکرار و اصرار این حقیر برای اینکه کشور باید قوی بشود به خاطر این است. باید دشمن را مأیوس کرد. بحمدالله ملت با معنویت، با کمک الهی، با هدایت الهی، در خدمت انقلابند، پشت سر انقلابند، پشت سر نظامند، کمک میکنند. عوامل

خوبی داریم، نهادهای مؤثر و بسیار مفیدی داریم، روزبه‌روز رشحات انقلاب در خارج از مرزهای کشور بیشتر بروز میکند

یک نکته‌ای که میخواستیم بگوییم و حالا یادم آمد، مسئله‌ی آمیختن مدّاحی با سرود است که اخیراً این کار باب شده و کار خیلی خوبی است. سرودهای خوبی گفته میشود. همین سرود «[اسلام] فرمانده» سرود خوبی بود. دیدید جاهای دیگر این سرود را ترجمه کردند، بازخوانی کردند؛ در بعضی از کشورها — که البته خبرهایش منعکس نشد، اما ما اطلاع پیدا کردیم — همان [چیزی را] که بچه‌ها اینجا خوانده بودند، با همان زبان فارسی در کشورشان تکرار میکردند، در حالی که زبان فارسی را هم بلد نبودند اما همان را تکرار میکردند. اینها عواملی است که میتواند به اقتدار این کشور کمک کند

البتّه شما وقتی وارد این میدان شدید — که همه هم بحمدالله وارد این میدان هستید — یک عده‌ای به شما ارادت پیدا میکنند، اما یک عده‌ای هم با شما دشمن میشوند. استکبار با شما دشمن میشود، عوامل استکبار با شما دشمن میشوند، علیه شما کارشکنی میکنند، علیه شما اقدام میکنند؛ خب بکنند؛ این دشمنی یک چیزی است که وجود دارد. آن چیزی که جوهر شما را نشان میدهد و میتواند تکلیف نهایی را فراهم کند ایستادگی شما است، استقامت شما است، توکل شما است. گفت:

گرم است به هم پشت رقیبان پی قلم

(ای عشق دل‌افروز دل من به تو گرم است) (۱۳)

خب، ظهر شد دیگر؛ ان‌شاءالله که خداوند همه‌ی شماها را (موفق بدارد. حتماً دعایتان میکنم؛ شما هم ما را دعا کنید). (۱۴) پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات خودت را به برکت نام مبارک زهرای مرضیه بر این جمع و بر این ملت نازل بفرما

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

Enemies engineered Iran's unrest meticulously, but failed, due to wrong calculations



In the Name of God, the Beneficent, the Merciful.

Praise be to God, Lord of the Worlds, and peace and blessings be upon our Master, Prophet Muhammad, and upon his Pure Progeny, particularly the remaining Vestige of God on earth.

I would like to welcome everyone. The beginning of these kinds of meetings is usually in our own hands, but [only] God knows when they will end [attendees laugh]!

The meeting today has been very good. I have truly and honestly benefited from it. The radiance and blessings from the existence of Hazrat Fatimah Zahra – Sayyidat-un Nisaa, Siqqiqat-ut Kubraa – has filled the atmosphere here. Thank God!

The love, devotion, and enthusiasm in your pure hearts for the mother of the noble Imams will surely have fundamental effects in all the things that are ahead of us in our lives – in our personal affairs, in public affairs, and in the future of this country.

Being among you elegists and eulogists who recite for the Household of the Prophet (pbut), and who are truly proud to be those who praise these noble human beings – “The one who praises the sun praises himself” [from a poem by Molana Jalal-e-Din Mohammad Rumi] – I would like to first of all remind you of the great honor you have. Be proud of this position that you have and I want you to try and prepare this readiness in yourselves and in your audience to hear these elegies about these holy lights as much as possible.

I would like to say just a few words about the subject of elegies today. Elegies are a part of our heritage. It is the heritage of the Shia. Yes, we do not know whether Kunit, De’bil and Sayyid al-Himyari, for example, recited their elegies with melodies or not, but they would write and recite poetry and circulate the teachings of the Prophet’s Household. You elegists have come and turned this into a complex art.

Today’s elegies and eulogies are a form of hybrid art, it is art, or in other words, it is beautiful. Art is something beautiful after all. It is both beautiful and it creates beauty. You have combined several arts together, the sum of which results in an

elegy or a eulogy. A good voice, this is the first [art]. The next art is good poetry, that's the second. And a good melody, that's the third one.

Of course, each one of these has certain characteristics, conditions, and limits, some of which I will address. In addition, you need a good theme and good content. Because having a good poem is one thing, but it is another thing to have good content. A poem may be very good, but it may lack rich content. Or it might not have the right content. There might be a problem with the content. We have these sorts of poems, in addition to very good poems, where the poetry is good, but the content has flaws. I have written down a poem by Saib [Tabrizi] so that I can read it for you. He said:

“Even if you tell me, ‘You shall not see Me,’ I will not despair like Moses did...”

When [God] turned to Prophet Moses [on Mount Sinai] and said, “You shall not see Me,” [Prophet Moses] let it go. [But in this poem], he says, “I will not despair.”

“Even if you tell me, ‘You shall not see Me,’ I will not despair like Moses did,

I know the sweet language of my love”

It was a nice poem, but it's incorrect! He is implying that the Almighty God, God's divine being, is being coy when He says, “You shall not see Me”.

No, “You shall not see Me” means “You

shall not see Me!” God does not exaggerate when He says something. The poem is very beautiful, but the meaning is incorrect!

So, we have two things here: one is a good poem and the other is a good meaning, and good content. You need to keep all of this in mind.

Having said that, I believe we have been holding these kinds of meetings for 40 years now [and] when I look at these now compared to previous years, the work that is being done is much more advanced and better in terms of the types of elegies and poetry that is recited. There is no doubt about this.

However, I would like to draw your attention to some matters. Well, this is a form of hybrid art. What you are doing is a form of hybrid art, and art is beauty. We know this from our religious texts, our religious texts including the Quran, Nahjul Balaghah, Sahifah Sajjadiyah, and many of our supplications.

Regarding the Holy Quran, [Imam Ali (pbuh)] states, “It has a wonderful appearance.” “Wonderful” does not imply that it is just ‘beautiful’, it is stunningly beautiful! It has a wonderful appearance. That is how the Quran is. It is second to none in terms of its beauty and art.

Almost all of the best Arabic poems, the sweetest and most beautiful and eloquent Arabic poems belong to the Age of Ignorance. Those [poets] were alive when

the Quran was revealed, [but] none of them were able to find even a minute fault in the Quran or say that they could recite anything similar to it.

It has been stated in numerous places in the Quran, “then bring a chapter like it” (Quran 2:23). They were not able to produce even one verse similar to the verses of the Holy Quran.

Nahjul Balaghah possesses the utmost magnificence, logic, and beauty. The same applies to Sahifah Sajjadiyah, the Abu Hamza Thumali Supplication, Imam Hussain’s Supplication on the Day of Arafah, and various other supplications. They are all incredibly beautiful.

Your art is a continuation of that art. This art can be said to be comprehensive when all its parts are beautiful. It is not enough for just its appearance to be beautiful. The content must also be beautiful. “It [the Quran] has a wonderful appearance, and inside it is deep [in meaning]” (Nahjul Balaghah, Sermon 18).

The inside of the Quran is deep and full of meaning. Now, we do not expect ourselves, I do not expect you to presume that you can produce something similar to it, no, [but] this is what we should have in mind. That is, the appearance should be beautiful and the core needs to be filled with meaning and be logical.

The same goes for melody. I had particularly planned to talk about this with you dear elegists and eulogists. A song has meaning. It conveys a meaning. So, you may perform a

song that does not even have any words – for example, some people produce music from their throat, or some may use instruments to create music. It has no words, but it has meaning. It conveys a meaning. That is how music is. Some songs inspire courage. [For example], the song that he [referring to Haj Sadiq Ahangaran in attendance, famous elegist of the Sacred Defense era] was singing, “O Army of Saheb Zaman! Be prepared! Be prepared!” Even if the song hadn’t had any lyrics, the tone of the song is one that inspires being prepared.

Some songs bring depression. They make people depressed. They discourage people. They are different. Some songs lead people toward sins. Many of the songs that are set to instrumental music are like this. Each of these songs has some music at the start of it that inspires the singer with the song. These songs are often not appropriate. We need to be careful about the poems we recite, the songs we sing, and the elegies we read – whether they are about a tragedy, or when we beat our chests, or whether it is a song sung in praise. We need to make sure we do not combine them with these things. This is an important point to note. I urge you to pay attention to this.

Therefore, the content must be good. The structure of the poem should be good. The framework, body, and appearance of the poem must be good. This will raise your audience’s level of thinking. If you put the best topics in a weak poem and read it, its effect will be greatly reduced. Allow your audience’s mind to become accustomed to rich literature. This will help the intellectual growth of society.

In a similar meeting a few years ago, I referred to some of Saib's ghazals, which were not ghazals on love. They were ghazals on wisdom, and they were filled with wisdom. Its poetry is extremely rich and beautiful. [It is good] to look for these poems and read them. Thankfully, some poets write some very good poems in this field.

In addition to gaining understanding in elegies, there is also a stirring of emotions. This is also an important point. There is gaining understanding. This means that you are teaching people with the poem you are reciting. Many of the things we learn are from the elegies that elegists recite, things that we have already told others many times in a simple language. But when the elegist or eulogist recites the same thing with a good voice and a good melody, it is as though we are hearing, understanding, and learning something new. It increases people's understanding - of course, as a continuation of a program after a sermon. An elegy is not the same as a sermon, it has a different nature and reality, it gives understanding and stirs emotions

We must not underestimate the emotional factor. One characteristic that we as Shia have, is that emotions are embedded in our teachings and imparting understanding from the beginning to the end. There is an accumulation of emotions. This is less in others, our lamentations, elegies, supplications and ziyarats are filled with emotions, they stir emotions.

Of course, the presence of emotions is not beneficial in the absence of reasoning. The good thing about imparting understanding in

the Shia texts is that, in addition to stirring emotions, it also gives people a depth of understanding. This is a feature that I have not seen in the non-Shia. That is, as far as I know, I have not seen it. Of course, each one of the different religions – Islamic and non-Islamic – have certain things in them, but the peak may be seen in the Shia.

I was once looking at the common supplications that exist among the non-Shia Muslims, which have been mentioned in detail in one of Al-Zamakhshari's books. I saw that, for example, if we place ten lines of Imam Hussain's supplication for the Day of Arafah or Supplication 47 of Sahifah Sajjadiyah next to those supplications, we will see these ten lines have more content and greater spirit than all those supplications have together....

@sayes_man

**sayes
man**

Fifty security martyrs



Iman

jihad

martyrdom